

جامعه مهدوی یعنی تحقق کمال فطری انسان‌ها در سراسر زمین



شناسه خبر: ۱۴۰۱۸۶ یکشنبه ۱۲ فروردین ۱۴۰۳ - ۱۶:۴۰

اسلام به دنبال ناکجا آبادی دور از دسترس نیست. جامعه مهدوی نیز چیزی جز تحقق تمام جهات کمالی فطری انسان‌ها در سراسر زمین نخواهد بود.

به گزارش خبرنگار فرهنگی تسنیم، کتاب «فطرت و مهدویت» کتاب جدیدی است که مرکز نشر هاجر به تازگی آن را روانه بازار نشر کرده است. این کتاب که نوشته الهام نصرت زادگان است، به بررسی فطری بودن مهدویت و ظهور منجی می‌پردازد و از این جهت کتاب حائز اهمیتی است. نصرت زادگان که در حال نوشتن رساله در سطح چهار رشته کلام در حوزه علمیه است و همزمان کارشناسی ارشد اخلاق اسلامی هم دارد، علاقه زیادی به تحقیق و تایید پژوهشهای هدفمند برای پاسخ به مسائل مطرح در حیطه معارف اسلامی دارد. با نویسندگی این کتاب گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانیم:

چرا موضوع فطرت و مهدویت برای شما برای شما مهم بود که درباره‌اش کتاب نوشتید؟

همیشه دوست داشتم برای امام معصومی که در زمان ایشان زندگی می‌کنم کاری هر چند ناچیز انجام دهم. مهم‌ترین مسأله‌ای که به ذهنم رسید این بود که نقش خود ما در ایجاد جامعه مهدوی چیست؟ بنابراین با تأثیر از نظرات استاد شهید مطهری و علامه طباطبایی سعی کردم نظرات پراکنده در جهان درباره جامعه آرمانی و تمایل به ظهور منجی را در فطرت همگانی نوع بشر جستجو کنم و به اثبات برسانم که تک تک ما با پیروی از تمایلات سالم فطری خود می‌توانیم ظهور منجی و تحقق جامعه آرمانی را تسریع کنیم.

اسلام به دنبال ناکجا آبادی دور از دسترس نیست

چگونه هر یک از ما با پیروی از تمایلات سالم فطری خود می‌توانیم ظهور منجی را تسریع کنیم؟

در مفهوم تکامل، تعالی خوابیده و حرکتی رو به بالاست و صرف پیشرفت نیست پس جانشین شدن قوانین یا ابزار تولید به جای هم، در جامعه موجب تکامل حقیقی نیست بلکه با دقت فلسفی در مفهوم تکامل مشخص می‌شود که این تنها انسان است که می‌تواند در جامعه واقعاً از نقص به سوی کمال برود و وجودش متکامل شود.

دیدگاه‌ها درباره معیارهای تکامل انسان متفاوت است که در کتاب آمده است. در این میان نگاه قرآن تک ارزشی نیست و بسیار کاملتر از دیدگاه افلاطون و فارابی و... بوده و کمال فردی و کمال اجتماعی و تأثیر جامعه بر افراد و... همه را در نظر دارد. و مولفه‌هایی را برای کمال بشر و جامعه آرمانی او مطرح می‌کند که کاملاً با فطرت نوع انسان مطابقت دارد. اسلام به دنبال ناکجا آبادی دور از دسترس نیست. جامعه مهدوی نیز چیزی جز تحقق تمام جهات کمالی فطری انسان‌ها در سراسر زمین نخواهد بود.

پس سعی ما در پیمودن صحیح مسیر فطرت، که همان معنای واقعی انتظار در اسلام است، مایه ایجاد روحی واحد در سراسر جهان خواهد شد که تنها ظهور منجی برای برقراری جهانی حق و عدالت و آرامش و... را می‌طلبد.

کتاب شما چگونه نقش تک تک انسان‌ها را در تحقق مدینه فاضله اثبات می‌کند؟ افراد بسیاری که به راهی خلاف فطرت خود می‌روند چگونه در این مسیر نقش دارند؟

این کتاب با تکیه بر آرای استاد مطهری ثابت می‌کند که از ترکیب سرمایه‌های فطری افراد، فطرت و روح جامعه ایجاد می‌شود و ذاتاً سیری تدریجی به سوی حقایق و کمال لایتنه‌ای دارد. این سیر تکاملی، تسلط بر محیط و تکامل مادی را نیز سبب خواهد شد.

البته این حرکت فطری به سوی کمال با غفلت و انحراف عمدی یا سهوی از مسیر فطرت منافاتی ندارد زیرا بشر معصوم نیست و اختیار دارد و سیر تکاملی فطری او در طول تاریخ همواره می‌تواند دستخوش توقف یا عقبگردهایی شود خوشبختانه عوامل بیدار کننده فطرت می‌توانند او را در بازگشت به مسیر فطری کمک کنند.

این طراحی هدفمند هستی به سوی کمال فطری، با سنت‌های مطلق و مشروط الهی در آیات و روایات نیز یاری می‌شود. مثلاً تضادهای درونی و بیرونی نوع بشر میان جنبه‌های حق و باطل به دلیل اصالت و پیروزی همیشگی "حق" که خواست خداوند است، نهایتاً به پیروزی حق می‌رسد. فطرت نیز از مصادیق حق است. پس به خواست خدا هرگونه اختلال از سوی هر یک از اجزای هستی در رسیدن به هدف واحد مطابق فطرت، موجب عذاب برای اصلاح یا حذف آن جزء خواهد شد عذابی که گاه با ظاهری خوشایند همراه است.

اما به هر حال، این خود بشر است که با اختیارش نقشی اساسی در ایجاد بسترهای مناسب یا نامناسب حرکت

تکاملی فطری خود ایفا می کند. اگر با مدد از راهنمایان و سنت های لایتغیر الهی در مسیر فطرت بماند دستیابی به جامعه آرمانی را تسریع می کند و با غفلت و بی توجهی، آن را به تعویق می اندازد.

تکلیف دشمنان حضرت هنگام ظهور چیست؟

دشمنان آن حضرت کسانی هستند که، از روی عمد و نه غافلانه، با خواست های فطری نوع انسان مخالفت و مقابله می کنند. این افراد با راهنمایی دشمن نوع انسانها، یعنی شیطان، هیچگاه تکامل فطری و تعالی انسان ها را بر نمی تابند.

اما در زمان ظهور که با خواست عمومی و آمادگی و تلاش انسانها در ماندن و پیمودن مسیر فطری محقق شده، منجی موعود به مدد الهی بر این دشمنان پیروز خواهند شد.

مردم به نقش خود در ظهور توجهی ندارند و صرفاً منتظر هستند

جذاب ترین و ناگفته ترین بخش کتاب شما که عموماً مردم نمی دانند چیست؟

شاید جذاب ترین و ناگفته ترین بخش این کتاب برای عموم مردم آن باشد که گرچه دستیابی به جامعه آرمانی با نام های مختلف خواست همه انسانهاست، اما معمولاً به نقش بسیار مهم خود در تحقق آن توجهی ندارند و فقط در انتظار واقعه ای چون ظهور منجی هستند تا آن را ایجاد نماید. ما مدتهاست دردمندان و مشتاقانه به دنبال چیزی هستیم که همگی وسایل تحقق آن را در اختیار داشته و داریم.

شناخت ها و گرایش های فطری با ماست و راهنمایان و سنت های لایتغیر الهی، همواره آماده امداد ما در این مسیر هستند.

آن چه از مدینه فاضله می خواهیم ریشه در فطرت انسانی ما دارد و تلاش ما در ماندن بر مسیر فطرت، مهم ترین وظیفه همگانی ماست. چنانکه امام علی علیه السلام در خطبه اول نهج البلاغه می فرمایند: "خدا فرستادگان خود را در میان مردم بر انگیخت تا پایبندی به پیمان الهی فطرت را از ایشان بخواهند نعمت های فراموش کرده او را به یادها آورند."

از سختی ها و مشکلات کار در هنگام تولید و نگارش کتاب می گوئید؟

مشکلات متداول مربوط به هر تحقیق و نگارشی، در این اثر نیز وجود داشت. فقط مشکلات جسمی من نیز گاهی مانع ادامه کار بود که عبور از همگی به لطف خدا میسر می شد.

نگاه اهل فن به این اثر چگونه بود و آیا نقدی شده است؟

هنوز نمی دانم. ولی چون از پایان نامه سطح سه استخراج شده می توانم نظرات اساتید در جلسه دفاع را نشانه دیدگاه مثبت ایشان به این اثر بدانم. طوری که استاد داور در ابتدا باور نمی کرد که این اثر کار خود من باشد و به صراحت بیان کرد که این پایان نامه در حد کار یک استاد است. البته پس از سؤالات متعدد و پاسخ هایی که دادم و بیانات استاد راهنما در دفاع از بنده به اطمینان رسید و خیلی از کار تعریف کرد.

مهدویت مختص به مسلمانان نیست و یک گرایش فطری است

آیا در این کتاب ابداعات و نوآوری داشته اید؟

ابداع و نوآوری موجود در این اثر، این است که ارتباط میان دانشها و گرایشهای فطری نوع بشر، و نه فقط مسلمانان، را با آموزه مهدویت ثابت می کند. لذا نقش تک تک انسانهای دنیا در تحقق مدینه فاضله را نشان می دهد. پیش از این کتاب تنها در برخی سخنان علمایی مثل استاد مطهری و علامه طباطبایی به این موضوع اشاراتی شده بود ولی اثری مجزا که ارتباط فطرت و مهدویت را به طور خاص و مفصل به اثبات برساند وجود نداشت.

تا به حال چه آثاری از شما منتشر شده است؟

کتاب «انسان اخلاق مدار در قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی»، مقاله «بررسی و تحلیل زمینه های فطری تکامل تدریجی جامعه بشری به سوی جامعه مهدوی از دیدگاه استاد مطهری» با راهنمایی استاد حسن معلمی چاپ شده در فصلنامه علمی - پژوهشی انتظار موعود و کتاب حاضر «فطرت و مهدویت».

در زمینه نویسندگی که یکی از راه های نشر معارف اسلامی است، چه توصیه ای به طلاب جوان دارید؟

با کمال تأسف بسیاری از طلاب هیچ علاقه ای به تحقیق و نوشتن ندارند. و فکر می کنم این به خاطر عدم درک اهمیت و لذت این کار است. دغدغه دین و ترویج عالمانه آن قطعاً به تحقیق و نوشتن نیازمند است. رسول اکرم صلوات الله علیه

می‌فرمایند: «قیدوا العلم بالکتابه» علم را با نوشتن به بند بکشید. مطالعه همیشه سودمند است اما اگر هدفمند باشد و علم حاصل از آن نوشته شود می‌تواند بسیار سودمندتر باشد.

پس به طلاب توصیه می‌کنم مطالعه زیاد و هدفمند داشته باشند. ذهنشان را برای یافتن مسائل ذهنی خود و دیگران تربیت کنند و با تمرکز بر سؤالات ذهنی خود مطالعه و تحقیق کنند. هر پاسخ کوتاه و بلندی که از یافتن آن لذت بردند را با آدرس دقیق بنویسند. مطالعات پراکنده و بی هدف بد نیست ولی ذهن را برای نویسندگی محققانه تربیت نمی‌کند. وقتی نوشتن مسأله‌مند یافته‌ها بر عمق معرفت دینی بیافزاید، میل به نویسندگی و انگیزه آن نیز ایجاد خواهد شد.

چه قشری از کتاب‌های شما، بیشتر استقبال می‌کنند؟

کتاب اولم برای چندین دانشگاه و کتابخانه و برخی اساتید ارسال شد و بازخوردهای خوبی داشت. فکر می‌کنم برای قشر دانشجو و طلبه و هر ذهن پرسشگری که دنبال پاسخ به سؤال خود در زمینه مطرح شده در کتاب باشد بی فایده نیست. در مورد کتاب فعلی نیز هنوز نمی‌دانم.

به نظر شما چگونه می‌توان پیوند جوانان را با اسلام و معارف دینی برقرار کرد؟

این کار برنامه ریزی بلندمدت نیاز دارد و به سرعت امکان پذیر نیست. ابتدای آشنایی افراد با معارف دینی پس از خانواده، در مدرسه است. به نظرم اولین قدم باید از مدرسه آغاز شود. کتاب‌های درسی متناسب با سن و جنسیت کودکان و نوجوانان که سؤالات متداول ذهنی آنها را با زبانی ساده و شیرین پاسخ دهد و زیبایی‌های اسلام را در مقایسه‌ای به روز، با تفکرات غیر اسلامی به نمایش بگذارد اثر گذار است، البته معارف اسلامی باید توسط آموزگاران عالم و دلسوز و مهربان و مؤمن و متعهدی که با گزینش خاص و حتی الامکان از میان طلاب مستعد انتخاب شده‌اند تدریس شود. اما موارد گفته شده در حیطه اختیارات وزارت آموزش و پرورش و مدارس است.

در غیر موارد بالا به نظرم هرگونه دوستی و محبت و صمیمیت متدینین با سواد و دغدغه‌مند و متعهد، با جوانان و نوجوانان و کودکان، بسیار مهم است. مثلاً برگزاری دوره‌هایی در قالب اردو و گردشهای علمی تفریحی توسط حوزه‌ها برای دانش‌آموزان، با ابلاغ و حمایت و تشویق از سوی مرکز مدیریت حوزه‌ها، می‌تواند مؤثر باشد. تدوین جزوات کوچک با مضمون پاسخ به سؤالات روز دانشجویان و ارتباط حضوری طلاب آموزش دیده با آنها نیز قطعاً بی اثر نخواهد بود. سخن

و نظرات در این باره زیاد است که اهل آن بهتر می دانند. اما نقش فعلی همگی ما برقراری ارتباط هرچه بهتر و صمیمی تر و عالمانه تر با جوانان است.

انتهای پیام/

انتهای پیام/